



نگاهی اجمالی به حیات سرشار از مهر امام سجاد(ع)

حضرت امام علی بن الحسین (علیه السلام) در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری قمری در مدینه منوره متولد و در ۱۲ یا به روایتی ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری در همین شهر به شهادت رسید.

حضرت امام علی بن الحسین (علیه السلام) در پنجم شعبان سال ۲۸ هجری قمری در مدینه منوره متولد و در ۱۲ یا به روایتی ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری در همین شهر به شهادت رسید.

امام سجاد (علیه السلام) فاتح قلبها بی‌تردید یکی از مهم‌ترین رازهای توفیق پیشوایان معصوم علیهم السلام در طول حیات و بعد از شهادت آن بزرگواران، جایگاه معنوی و شخصیت والایشان در قلوب انسان‌ها؛ مشتاق فضائل و کمالات بوده است.

از آنجا که حضرات معصومین علیهم السلام هرکدام در عصر خویش به عنوان اسوه کامل انسانیت و بارزترین نمونه کمالات و صفات انسانی بوده‌اند و عموم مردم فطرتاً چنین صفاتی را دوست دارند؛ به این جهت، به امامان معصوم علیهم السلام به دیده محبت و عشق می‌نگریسته‌اند. حتی دشمنان آن بزرگواران با اعتراف به این حقیقت انکارناپذیر، بارها زبان به ستایش پیشوایان معصوم گشوده و مناقب و افتخارات آنان را به دیگران یادآور شده‌اند.

در این فرصت، مروری کوتاه بر جایگاه معنوی حضرت زین‌العابدین علیهم السلام در جامعه و برخی علل محبوبیت آن پیشوای راستین خلق در دل‌های مشتاق، خواهیم داشت؛ باشد که ما نیز با پرورش محبت روزافزون آن امام‌همام، دل‌هایمان را از زنگار جهل و خرافه‌ها زدوده و در پرتو دوستی اهل بیت علیهم السلام گام‌های سعادت آفرین به سوی کمال برداریم.

ناگفته نماند که مقصود ائمه اطهار علیهم السلام جلب رضایت مخلوق در مقابل سخط و خشم خالق نبوده است؛ زیرا:

الف) ساختار شخصیت آن بزرگواران و رفتار و کردارهای پسندیده‌شان طبیعتاً با فطرت مردم سازگار بوده و انسان‌ها؛ پاک فطرت و عموم مردم عادی به دیده محبت و احترام به آنان می‌نگریستند.

ب) چون امامان معصوم علیهم السلام برای هدایت مردم و پیشبرد مقاصد الهی خود به مقبولیت اجتماعی نیاز داشتند تا آنجا که اهداف الهی و اصول مسلم اسلام اجازه می‌داد، سعی می‌کردند افکار عمومی و رضایت مردم را در راستای ارزش‌های معنوی جلب کرده و آنان را در مقابل اهل باطل بسیج نمایند. چنان‌که بارها از این نیروی عظیم بر ضد ستمگران و زورگویان بهره می‌بردند.

البته هرگاه هم که مردم آن بزرگواران را همراهی نمی‌کردند، ائمه اطهار علیهم السلام به دنبال اهداف الهی خود می‌رفتند و از مردم زمانه خود که جانب باطل را انتخاب کرده بودند، فاصله می‌گرفتند.

به همین علت امام سجاد علیه السلام به مردی که می‌گفت: «اللهم اغننی عن خلقک؛ خدایا! مرا از این مردم بی‌نیاز کن.» اعتراض کرده و فرمود:

«بی‌نیازی از مردم، ممکن نیست و انسان در هر صورت در زندگی دنیوی به ارتباط مردم نیاز دارد بلکه چنین دعا کن: اللهم اغننی عن شرار خلقک؛ (۱) خدایا! مرا از مردم شرور و بدسرشت بی‌نیاز کن.»
جهانم‌دی ه انشا،
از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت سجاد علیه السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود و اطرافیان، دوستان، غلامان و کنیزان آن حضرت با تمام وجود به امام عشق می‌ورزیدند، خصلت پسندیده «عفو، گذشت و جوانمردی» بود. در این راستا امام سجاد علیه السلام از یک شیوه کارآمد و پسندیده تربیتی بهره می‌گرفت.

امام صادق علیه السلام فرمود: در طول ماه مبارک رمضان، حضرت علی بن الحسین علیه السلام در مورد غلامان و کنیزان و سایر زیردستان خود روش عفو و گذشت را به کار می‌گرفت؛ به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می‌شدند، آنان را تنبیه نمی‌کرد.

آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هرکس را با نام و موضوع تخلف مشخص می‌نمود. در آخر ماه همه آنان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آنگاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهاتشان را که در طول

خدمتگاری به نیازمندان حضرت علی بن الحسین علیه السلام در عرصه خدمت‌رسانی به محرومان آنچنان درخشیده، که موجب اعجاب و شگفتی همگان گردید و آنان خواهی، نخواهی دوستدار حقیقی امام سجاد علیه السلام گردیدند.

زمانی که تاریکی شب همه جا گسترده می‌شد و چشمهای مردم به خواب می‌رفت، آن حضرت اموال موجود خود را از درهم و دینار جمع می‌کرد و نان و آذوقه را که فراهم کرده بود، برمی‌داشت و شبانه به منزل محرومان و بینوایان می‌شتافت. آن حضرت در حالی که صورت خود را پوشانده بود آذوقه‌ها و هدایا را به دوش می‌کشید و در سطح گسترده‌ای به بیچارگان مساعدت می‌نمود.

امام باقر علیه السلام فرمود: «کان علی ابن الحسین علیه السلام یحمل جراب الخبز علی ظهره باللیل فیصدق؛ (7) پیشوای چهارم علیه السلام کیسه‌های نان را در شبهای تاریک به دوش می‌کشید و به فقرا و نیازمندان تصدق می‌نمود.» و بر این اندیشه پافشاری می‌کرد که: «ان صدقة السر تطفی غضب الرب؛ (8) صدقه پنهانی، خشم خداوند را فرو می‌نشاند.»

محمد بن اسحاق می‌گوید: عده‌ای از نیازمندان مدینه عادت کرده بودند که در ساعات معینی از شب، مرد ناشناسی به کمک آنان بیاید و او را به عنوان صاحب انبان به همدیگر معرفی می‌کردند. و آنان تا روز شهادت امام زین‌العابدین علیه السلام وی را نمی‌شناختند. (9)

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم حضرت علی بن الحسین علیه السلام دوبار برای خدا اموال خود را احسان نمود. (10)

امام سجاد علیه السلام همواره می‌فرمود: «سادة الناس فی الدنيا الاسخياء و سادة الناس فی الاخرة الاتقياء؛ (11) سرور و آقای مردم در دنیا سخاوتمندان و بخشندگان هستند و در جهان آخرت، پرهیزگاران سرآمد دیگران خواهند بود.»
ناتوانی به برخی از رفتارهای پسندیده امام سجاد علیه السلام که در جذب قلوب و صید دل‌های مردم تأثیر فراوان داشته است، اشاره می‌کنیم:

1. زمخشری نقل کرده است: هنگامی که یزید بن معاویه عامل جنایتکار خود مسرف بن عقبه را به مدینه فرستاد و لشکر وی به قتل و غارت اهل مدینه پرداختند.

حضرت زین‌العابدین علیه السلام چهارصد نفر از بانوان بی‌پناه را پناه داد و آن حضرت در کمال سخاوت و جوانمردی از آنان پذیرایی نمود.

هنگامی که لشکر مسلم بن عقبه از مدینه بیرون رفت، آن بانوان گفتند: به خدا قسم! در کنار پدر و مادرمان این چنین زندگانی خوش و آرامش‌رویی و روانی نداشته‌ایم که در سایه عطوفت و محبت این مرد شریف (حضرت سجاد علیه السلام) در این مدت بحرانی این چنین در آرامش و در کمال احترام به سر بردیم. (12)

2. امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت سجاد علیه السلام هرگاه مسافرت می‌رفت، سعی می‌کرد با کاروانی سفر کند که او را نشناسند و شرط می‌کرد که در طول سفر یکی از خدمتگزاران به همسفرانش باشد. یک بار که با افرادی ناشناس به مسافرت رفته بود، مردی آن حضرت را دیده و شناخت، بعد به دیگر دوستانش گفت: آیا می‌دانید این آقا که به شما خدمت می‌کند، کیست؟ گفتند: نه، نمی‌شناسیم. آن مرد گفت: این شخص حضرت علی بن الحسین علیه السلام است! اهل کاروان که این جمله را شنیده و امام را شناختند، یکدفعه از جای خود برخاسته و دست و پای حضرتش را بوسیدند و عرضه داشتند:

ای فرزند رسول خدا! آیا می‌خواهی ما را آتش جهنم فراگیرد؟! اگر خدای نکرده از دست و زبان ما خطائی سر می‌زد و به شما جسارتی می‌کردیم، آیا ما تا ابد هلاک نمی‌شدیم؟! چه انگیزه‌ای باعث شد که شما به صورت ناشناس به ما خدمت کنید؟

امام سجاد علیه السلام فرمود: «هنگامی که من با عده‌ای آشنا به مسافرت رفتم، آنان به خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیش از استحقاق من، برایم خدمت کرده، عطوفت و مهربانی نثارم کردند. به همین جهت، به صورت ناشناس آمدم که مبدا شما نیز بیش از حد بر من احترام کنید. و ناشناس بودن را بهتر می‌پسندم.» (13)

بی تردید این سیره پسندیده حضرت سجاد علیه السلام برگرفته از کلام حضرت خاتم الانبیاء، صلی الله علیه و آله وسلم

، از محبت اجتماعی ، محمد بن مسلم بن شهاب زهري (16) روزی با حالتی افسرده و اندوهگین به حضور امام سجاد علیه السلام آمد . وقتی امام علت ناراحتی وی را پرسید، گفت: اندوه من از سوی برخی مردم به ویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده‌am و ام ولی آنها برخلاف انتظارم به من حسد ورزیده و چشم طمع در اموالم دوخته‌am اند .

امام چهارم علیه السلام رهنمودهای راهگشایی به وی ارائه فرموده و سپس افزود:

«احفظ علیک لسانک تملک به اخوانک؛ اگر از زیانت مواظبت کنی، همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود [و تو را دوست‌am خواهند داشت] .»

سپس فرمود: «زهري! کسی که عقلش کامل‌am ترین اعضا وجودش نباشد، با کوچک‌am ترین اعضایش (زبان) هلاک می‌am شود .»

حضرت سجاد علیه السلام مهم‌am ترین رمز توفیق در زندگی را، تواضع و احترام به دیگران دانسته و می‌am فرماید: «اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌am کنند و مقامت را بزرگ می‌am شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می‌am کنند و اگر از مردم نسبت‌am به خود بی توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سرزده که مستوجب چنین بی‌am احترامی شده‌am . هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این تفکر عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستان زیاد و دشمنان کم‌am به حداقل خواهند رسید . در این صورت نیکی‌am های دیگران تو را خوشحال می‌am کند و از بدی و اذیت‌am های آنان آزردن خواهی شد .» (17)

در اوج محبت داستان معروف امام سجاد علیه السلام هنگام زیارت بیت الله الحرام دلیل واضحی بر جایگاه والای معنوی و اجتماعی آن حضرت در عصر خود می‌am باشد . خلاصه آن ماجرا چنین است:

در زمان خلافت عبدالملک بن مروان سالی پسرش هشام بن عبدالملک (18) به زیارت خانه خدا رفت . اما در اثر ازدحام جمعیت نتوانست «حجرالاسود» را زیارت کند و کوشش اطرافیانش نیز در این زمینه نتیجه‌am نداشت . ناگزیر برای او در کنار کعبه تختی نصب کردند و وی در آنجا نشسته و به تماشای حجاج و طواف کنندگان پرداخت . اطرافیان شامی او نیز در کنارش گرد آمده و به اجتماع پرشکوه حج نظاره می‌am کردند .

در همین حال، ناگهان حضرت سجاد علیه السلام پدیدار شد؛ آن حضرت که در میان جمعیت‌am با سیمایی زیبا و وجودی نورانی همچون ستاره‌am ای می‌am درخشید، گرد خانه خدا طواف کرد و هنگامی که به حجرالاسود نزدیک شد، مردم با کمال احترام و تواضع راه را بر امام بازکردند و حضرت به راحتی حجرالاسود را زیارت نمود .

این منظره که هشام و اطرافیانش را به حیرت واداشته بود، موجب شد تا یکی از شامیان از هشام بپرسد که: این شخص با عظمت کیست که مردم این چنین احترامش می‌am کنند؟ اما هشام به جهت اینکه شامیان آن حضرت را نشناسند، پاسخ داد: من هم نمی‌am شناسم! «فرزدق‌am» شاعر که در آنجا حاضر بود، بلند شده و با جرئت تمام گفت: اما من او را می‌am شناسم!

اگر هشام او را نمی‌am شناسد، من آن جوان زیبا روی و نورانی چهره را خوب می‌am شناسم . مرد شامی گفت: او کیست ای ابو فراس؟! فرزدق در پاسخ آن مرد شامی قصیده معروف خود را در چهل بیت‌am سرود؛ از جمله اینکه:

و البیت‌am یعرفه و الحل و الحرم
این کسی است که سرزمین پاک مکه قدر و منزلت او را می‌am شناسد و خانه کعبه، حل و حرم او را می‌am شناسند .
هذا ابن خیر عبادالله کلهم

هذا التقی التقی الطاهر العلم
این فرزند بهترین بندگان خداست . این جوان پاک و پاکیزه و پیراسته و شناخته شده است .
هذا ابن فاطمة ان كنت جاهله

بجده انبياء الله قد ختموا
این فرزند فاطمه است . اگر او را نمی‌am شناسی، او کسی است که جدش خاتم الانبياء می‌am باشد .

... او از خاندانی است که محبت ایشان، دین و دشمنی با آنان، کفر و نزدیک شدن به آنان، پناهگاه و نجات بخش است .

هرکسی خدای را بشناسد، نیاکان او را نیز نیک می‌am شناسد که دین اسلام از خانه او به سایر مردم رسیده است ... هشام بن عبدالملک بعد از شنیدن این قصیده، خشمگین شد و حقوق فرزدق را از بیت المال قطع نموده و او را در عسفان (بین مکه و مدینه) زندانی کرد . حتی در اعتراض به فرزدق گفت: تو تا به حال برای ما چنین مدحی نگفته‌am ای! فرزدق گفت: تو نیز

جدی مثل جد او و پدری مثل پدر او و مادری مثل مادر او بیاور تا من شبیه این آیات را در مورد شما نیز بسرایم .

بعد از این ماجرا، امام سجاد علیه السلام دوازده هزار درهم برای فرزندق فرستاد و فرمود: ای ابوفراس ما را معذور دار؛ اگر بیش از این مقدورمان بود، برای می‌فرستادیم .

اما او نپذیرفت و گفت: ای پسر رسول خدا! آنچه من گفتم، به خاطر جایزه نبوده بلکه برای رضای خدا و رسولش بوده است . من پاداشی از شما نمی‌خواهم .

امام دوباره آن اموال را برای فرزندق فرستاد و فرمود: «خداوند مکان و منزلت و نیت تو را می‌داند، به حق من آن را قبول کن .» و فرزندق آن را پذیرفت . (19)

پینوشتها

- 1 . تحف العقول، ص 287 .
- 2 . سوره نور، آیه 22 .
- 3 . بحارالانوار، ج 46، ص 104 .
- 4 . اقبال الاعمال، ج 1، ص 446 .
- 5 . رجال الشيخ، اصحاب علی بن الحسین (ع) .
- 6 . مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 167 .
- 7 . بحارالانوار، ج 46، ص 88 .
- 8 . مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 153 .
- 9 . همان
- 10 . همان، ص 154 .
- 11 . روضه الواعظین، ج 2، ص 385 .
- 12 . منتهی الآمال، ج 2، ص 8 .
- 13 . وسائل الشیعه، ج 11، ص 430 .
- 14 . همان، ص 429 .
- 15 . کشف الغمه، ج 2، ص 101 .
- 16 . وی در ابتدا از علمای اهل سنت و جماعت بود اما در اثر معاشرت با امام چهارم (ع) و نیل به بهره‌های شایان علمی و انسانی از محضر امام سجاد (ع)، به آن حضرت علاقه شدیدی پیدا کرد و از امام همیشه با لقب «زین‌العابدین» یاد می‌نمود .
- 17 . الاحتجاج، ج 2، ص 319 .
- 18 . وی از سال 105 تا 125 هـ . زمام حکومت را به دست گرفت . از آنجایی که امام چهارم (ع) در سال 95 هـ . توسط ولیدبن عبدالملک به شهادت رسید، هشام بن عبدالملک جانشین خلیفه به شمار می‌آمده است .
- 19 . مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 169 .

منبع: سایت سبطین

ماه رمضان مرتکب شده بودند، برایشان یادآور می‌شد و به تک‌تک آنان می‌فرمود: فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می‌آوری؟! فرد خطاکار هم می‌گفت: بلی، ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند .

آنگاه به آنان می‌فرمود: با صدای بلند به من بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان‌که تو اعمال ما را نوشته ای؛ نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذاری نمی‌کند، و هرچه انجام داده ای، به حساب آورده و تمام اعمالت را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، همچنان‌که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم . پس ما را ببخش همان طور که دوست داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن الحسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را همچنان‌که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حسابگری و گواهی خدا کافی است . پس ببخش و عفوکن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد . چنان که خودش در قرآن می‌فرماید:

«ولیعفو و لیصفحوا الا تحبون ان یغفرالله لکم والله غفور رحیم» (2)؛ «(rlm) باید ببخشند و عفو کنند . آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است .

امام سجاد علیه السلام این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می‌(rlm) کرد و آنان باهم تکرار می‌(rlm) کردند و خود امام علیه السلام که در میان آنان ایستاده بود، می‌(rlm) گریست و با لحنی ملتسمانه می‌(rlm) گفت:

«رب! انک امرتنا ان نعفو عمن ظلمنا فنحن قد عفونا عمن ظلمنا کما امرت، فاعف عنا فانک اولی بذلک منا و من المامورین؛ (3) پروردگار! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم، همان طور که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌(rlm) اند، درگذشتیم، توهم از ما درگذر! که در عفوکردن از ما و از تمام ماموران برتری.»

پس از این برنامه عرفانی و تربیتی، امام سجاد علیه السلام خطاب به خدمتگزاران خویش می‌(rlm) فرمود:

من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌(rlm) های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه‌(rlm) ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده‌(rlm) ام، بخشیدید؟!

همگی یکصدا می‌(rlm) گفتند: با اینکه ما از تو، جز خوبی ندیده‌(rlm) ایم، تو را بخشیدیم . آنگاه به آنان می‌(rlm) فرمود: بگویید: خداوند! از علی بن الحسین درگذر! ، همان طور که او از ما درگذشت . او را از آتش جهنم آزاد کن، همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد .

آنان دعا می‌(rlm) کردند و امام چهارم علیه السلام آمین می‌(rlm) گفت و در پایان می‌(rlm) فرمود: بروید! من از همه شما عفو کردم و آزادتان می‌(rlm) کنم به امید اینکه خدا نیز عفو کرده و آزادم کند .

حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عید فطر آنقدر به خدمتگزاران خود جایزه و هدیه می‌(rlm) بخشید که از دیگران بی‌(rlm) نیاز می‌(rlm) شدند .

سیره امام سجاد علیه السلام چنان بود که هرگاه بنده‌(rlm) ای را در اول سال یا وسط سال مالک می‌(rlm) شد، بعد از یک دوره آموزش و اعمال شیوه‌(rlm) های تربیتی صحیح، در شب عید فطر آزادش می‌(rlm) کرد .

آن بزرگوار بندگان سیاه را که هیچ‌(rlm) گونه نیازی به آنان نداشت، می‌(rlm) خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همراه هدایای قابل توجهی آزادشان می‌(rlm) ساخت . (4) و به این ترتیب امام، بردگان را نه تنها در بعد جسمانی بلکه از افکار و اندیشه‌(rlm) های خرافی، جهل و غفلت رها می‌(rlm) ساخت .

لذا تربیت‌(rlm) یافتگان مکتب حضرت علی بن الحسین علیه السلام از ذلت غفلت و خرافه پرستی به اوج عزت معنوی و عرفانی نائل می‌(rlm) شدند . و بیچاره‌(rlm) ترین بردگان عصر آن حضرت در اثر ارتباط با درگاه امامت، به رهبران جامعه و عارفان خداجوی و عالمان ربانی مبدل می‌(rlm) گشتند .

سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، ابواسحاق بن عبدالله سبیعی، سالم بن ابی حفصه، شرحبیل بن سعد، عبدالله بن دینار، ابوخالد کابلی، محمد بن شهاب زهری، معروف بن خربوذ مکی، یحیی بن ام طویل، حبابه والیه و ... (5) از جمله تربیت‌(rlm) یافتگان مکتب حضرت سجاد علیه السلام می‌(rlm) باشند .

این شیوه خدایسندانه امام چهارم علیه السلام موجب شد که دوست و دشمن، کوچک و بزرگ و مرد و زن از اعماق وجود خویش آن حضرت را دوست‌(rlm) بدارند . آری محبوبیت اجتماعی آن حضرت، رهین کردارهای انسانی و کمالات الهی‌(rlm) اش بود تا آنجایی که خلفای بنی امیه نیز به آن اعتراف می‌(rlm) کردند .

این شهر آشوب می‌(rlm) گوید: امام سجاد علیه السلام در نزد عمر بن عبدالعزیز (هفتمین خلیفه اموی) حضور داشت؛ هنگامی که آن حضرت از نزد او بلند شده و بیرون رفت، عمر بن عبدالعزیز رو به اطرافیانش کرده و گفت: بهترین و شریف‌(rlm) ترین مردم به نظر شما امروزه کیست؟ همه گفتند: شما ای خلیفه! او گفت: نه، هرگز! بهترین و شریف‌(rlm) ترین مردم همین فردی است که الآن از حضور ما بیرون رفت! او چنان قلبها را به خود متمایل ساخته است که همه دوست دارند مثل او باشند اما او هیچگاه آرزو نمی‌(rlm) کند که به جای یکی از ماها باشد . (6) می‌(rlm) باشد که فرمود:

«من اعان مؤمنا مسافرا فرج الله عنه ثلاثا و سبعين كربة» (14) هرکس به یک مؤمن مسافر یاری و خدمت نماید، خداوند متعال هفتاد و سه بلا و اندوه را از او زایل خواهد کرد .»

3 . علی بن عیسی اربلی می‌نویسد: روزی امام سجاد علیه السلام از مسجد بیرون آمد و با مردی که با آن حضرت عداوت دیرینه داشت، مواجه شد. مرد همین‌که چشمش به امام افتاد، به حضرت زین‌العابدین علیه السلام جسارت کرده و دشنام و ناسزا گفت .

یاران و غلامان امام علیه السلام خواستند که آن شخص را تادیبش کنند . اما حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: با او کاری نداشته باشید .

آنگاه به او نزدیک شده و گفت: آنچه از صفات و کارهای ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که تو مطلع هستی! سپس با مهربانی و [عطوفت](#) تمام فرمود: الـک حاجة نعینک علیها؛ آیا مشکلی داری که ما در حل آن تو را یاری نماییم؟!

مرد با مشاهده این رفتار انسانی، از کرده خود شرمسار گردید . اما امام چهارم علیه السلام او را نوازش کرده و عباى ارزشمند خود را به همراه هزار درهم به وی بخشید . بعد از آن واقعه، آن مرد شدیداً به امام علاقه مند گردید و در هرکجا که می‌رسید، به بیان فضائل و مناقب آن حضرت می‌پرداخت و خطاب به حضرتش می‌گفت: به راستی که تو از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هستی . (15)

این رفتارهای آموزنده و انسانی موجب شده بود که مخالف و موافق، آن حضرت را از اعماق وجودشان دوست‌دارند و به شخصیت والای امام سجاد علیه السلام به دیده احترام و عظمت‌بنگردند .